

عنوان مقاله:

اعاده عملیات اجرایی به حال سابق

محل انتشار:

کنگره ملی پژوهش های کاربردی علوم انسانی اسلامی (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

محمد ذالی

محمد طراقیان پور

خلاصه مقاله:

وظیفه اصلی اجرای احکام مدنی اجرای احکام قطعی مدلول حکم قطعی و قرارهای تامین خواسته و دستورموقت صادره ازدادگاههاست اجرای احکام تجلی دادرسی عادلانه است و اجرای سریع و به موقع احکام دادگاهها دارای ثمره زیادی است که اولین ثمره مهم و اصلی آن همانا احقاق حق و ابطال باطل است گفته میشود که اجرای احکام به منزله برداشت محصولی است که پس از مدت ها درگیری در فرایند اقامه دعوی و اخذ رای قطعی حاصل شده است و بدون اجرای صحیح آن کار دادرسی کاری عبث و بیهوده خواهد بود لکن این گونه نیست که همیشه حکمی که به موقع اجرا گذارده میشود بدون هیچ دغدغه ای انجام شده و اشکالی پیش نیاید ماده 1 ق اجرای احکام مدنی آزاد قابل اجرا را ارایه دانسته که قطعی شده باشند و یا قرار اجرای موقت آنها صادر شده باشد که امروزه اجرای موقت با توجه به نسخ ق.آ.د.م سال 1318 وجود ندارد در تعریف حکم قطعی گفته شده است که حکمی است که قابل اعتراض و پژوهش نباشد و یا اگر قابل پژوهش هست در موعد قانونی اعتراض نشود و یا اگر اعتراضی شد حکمی که ازدادگاه پژوهشی صادر میشود حکم قطعی تلقی میشود ولی قانون گذار علاوه بر حکم قطعی حکم نهایی را نیز اجرای احکام مدنی ذکر نموده است و در ماده 39 این قانون فرضی را مطرح نموده است که هرگاه حکمی که قطعی شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلا اثر شود عملیات اجرایی به حالت سابق بر میگردد پس هرچند که ممکن است حکمی از احکام دادگاهها طبق ق اجرایی احکام مدنی وفق ماده 1 به اجرا در بیاید لکن ممکن است به علل مختلف از جمله ذی حق نبودن واقعی یکی از طرفین که حکم به فسخ وی صادر شده حکم وی در مرحله نهایی نقض شود هدف نهایی مقاله بررسی موارد مختلفی است که در آن عملیات اجرایی وفق ماده 39 ق.آ.د.م به حالت سابق اعاده خواهد شد

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/391101>

